

## حکمرانی خوب در اندیشه امام خمینی (ره)

دکتر محسن دیانت<sup>۱</sup>

ابوذر نظریان<sup>۲</sup>

مهدی منوری<sup>۳</sup>

### چکیده

در سالیان اخیر، حکمرانی (حاکمیت) تبدیل به موضوعی داغ در میان کشورها شده است و این به واسطه نقش مهمی است که حکمرانی در تعیین سلامت اجتماع ایفا می‌کند. بدین جهت است که دبیر کل سابق سازمان ملل، کوفی عنان ابراز می‌دارد: حکمرانی خوب، احتمالاً "مهمترین عامل در ریشه کن کردن فقر و عامل رشد و توسعه است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، کمبود بودجه، انگیزه مهم انجام اصلاحات دولتی در بسیاری از نقاط جهان بود، که این کمبود بودجه ناشی از فشارهای بین‌المللی، (مثل بانک جهانی) و یا ناشی از خود دولتهای ملی بود. از آن زمان تاکنون، بسیاری از دولتهای سعی در ایجاد یک برنامه ریزی جهت دستیابی به توسعه که مهمترین مولفه حکمرانی خوب است، کرده اند. در این میان جمهوری اسلامی ایران نیز با یک برنامه ریزی اقتصادی در قالب برنامه ۱۴۰۴ سعی در ایجاد تحقق پیشرفت اقتصادی و بدنبال آن ایجاد یک حکمرانی مطلوب بوده است حکمرانی که بر پایه اندیشه‌ها و مولفه‌های مد نظر اصول و عدالت اسلامی باشد. در این مقاله بدنبال این مطلب هستیم که حکمرانی و توسعه بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) چه جایگاهی در جمهوری اسلامی ایران دارد، که با بررسی شاخص‌های حکمرانی به بررسی علل ضعف و قدرت شرایط حکمرانی مطلوب در ایران می‌پردازیم.

**واژه‌گان کلیدی:** حکمرانی خوب، امام خمینی (ره)، پاسخگویی، ثبات سیاسی.

---

m.dyanat@gmail.com

۱- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
ab.nazariyan1396@gmail.com

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
mehdimonavari@gmail.com

## مقدمه

حکمرانی سیاسی را کلید معمای توسعه می‌دانند، بطوریکه بسیاری از مطالعات انجام شده در اواخر دهه ۱۹۸۰ از حکمرانی بعنوان یک مساله اساسی در راهبرد کشورها نام می‌برند. به همین خاطر قرارگرفتن در مسیر توسعه و توسعه‌یافتگی از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه است. نبود رشد اقتصادی، فقر و نبود پاسخگویی، فساد و نبود حاکمیت قانون از جمله چالش‌هایی است که این کشورها با آن مواجه‌اند. از سوی دیگر، مطالعات توسعه و آمارهای سازمان‌های جهانی بیانگر آن است که از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها «حکمرانی خوب» است؛ چنانکه حکمرانی خوب را بنیان توسعه خوانده‌اند (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۱۴). کیفیت حکمرانی از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که جوامع تا به امروز با آن مواجه بوده‌اند. رهبران و مسئولان سیاسی همواره تلاش دارند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر سازند. تمامی حکومت‌ها هدف خود را دستیابی به خیر و مصلحت بیشتر شهروندان اعلام می‌کنند. تمام حکومت‌ها مدعی هستند که بسترسازی می‌کنند تا از طریق بهسازی فردی، اجتماعی و نهادی، زمینه حکمرانی خوب را فراهم کنند؛ اما تا چه اندازه به این مهم دست‌یافته‌اند، نیاز به بحث و بررسی دارد. در باب دلالت معنایی حکمرانی باید گفت، حکمرانی در ذات خود تعامل و همکاری بین جامعه مدنی و نظام سیاسی یا تعامل بین دولت و شهروندان را دارد. حکمرانی به پویش‌ها یا فرآیندهای تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد. به گونه‌ای بنیادین حکمرانی در پیوند با چگونگی کاربرد قدرت، تعامل و پاسخگویی معنا می‌یابد (کبیری، ۱۳۹۰: ۳۵).

## (۱) حکمرانی خوب<sup>۱</sup>

اداره‌گری یا حکمرانی به معنی عمل یا شیوه حکومت کردن و اعمال کنترل یا اقتدار بر اقدامات اتباع از طریق منظومه‌ای از مقررات است. بنابراین گوهر اداره‌گری را می‌توان چگونگی حکومت بر مردم و چگونگی اداره و تنظیم اداره دولت دانست (گریفتس، ۱۳۸۸: ۴۴۵). حکمرانی را می‌توان نفوذ هدایت شده در فرآیندهای اجتماعی تعریف کرد که ساز و کارهای مختلفی در آن درگیر هستند (صحرائی و محمودی نیا، ۱۳۹۷: ۲۰۸). مبحث حکمرانی خوب از اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد که در گزارش سال ۱۹۸۹ خود، برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است (World Bank, 1989). "برنامه توسعه سازمان ملل متحد" نیز، حکمرانی خوب را شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی دانست که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال و حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند، تعهداتشان را برآورده می‌سازند و اختلافاتشان را تعدیل می‌نمایند (UNDP, 1997). برخی Good Governance همچون بایزید مردوخی این اصطلاح را "نظام شایسته تدبیر" و برخی دیگر "حکمرانی خوب" ترجمه کرده‌اند. در مجموع حکمرانی خوب در بردارنده سازوکارها و فرایندهایی است که در خدمت تحقق دموکراسی و حقوق بشر است و بنابراین، از این دیدگاه، حکمرانی خوب را می‌توان ابزار مطلوبی برای تحقق آرمان مردم‌سالاری، حقوق بشر، حاکمیت قانون و توسعه اقتصادی دانست. به هر حال منظور از این اصطلاح شیوه اعمال قدرت و رابطه شهروندان با حکومت در یک کشور است. در حقیقت موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد اشتغال و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید محیط زیست و رشد و توسعه زنان تاکید می‌شود (معینی فر و کریم نیا، ۱۳۹۴: ۸). اگر این اعمال قدرت مبتنی بر حاکمیت قانون (در

<sup>1</sup> Good Governance

برابر حاکمیت فرد) مشارکت شهروندان و پاسخگویی حاکمان باشد، این نظام صفت حکمرانی خوب می‌یابد. در تعریف یونسکو در سال ۲۰۰۲ حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان گروهها و نهادهای مدنی منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهداتشان را برآورد می‌سازند (میدری، ۱۳۸۵). همچنین حکمرانی خوب را فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند.

اهداف کلان حکمرانی خوب	
۱	باز ساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها و نهادها
۲	کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در کشور
۳	کاهش فساد و افزایش سلامت اداری
۴	بهبود کیفیت معاش و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان
۵	حفظ و توسعه مردم‌سالاری
۶	ایجاد فرصت و امکان برای شهروندان به منظور نشان دادن مطالباتشان
۷	اعتلای امنیت، برابری و پایداری در کشور

## ۲) شاخص‌های حکمرانی خوب

یک مبنای اساسی برای تعیین ویژگی‌های حکمرانی خوب شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که در برنامه توسعه سازمان ملل متحد و بانک جهانی مطرح کرده‌اند، بر اساس این سند که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ توسط کافمن، کری و ماسترازی انتشار داد، حکمرانی خوب دارای شش شاخص است: پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، و کنترل فساد، بر اساس اعلام بانک جهانی، هر قدر کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده، رشد بخش خصوصی مؤثرتری خواهد داشت. همچنین میزان مرگ و میر

در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی افزایش می یابد (پورآقایی، ۱۳۸۳). بعکس، هر قدر کشوری با این شاخص فاصله داشته باشد به همان اندازه رشد اقتصادی کاهش خواهد داشت. با توجه به دیدگاه های مزبور در زمینه شاخص هایی که بانک جهانی ذکر کرده است و اهمیتی که این شاخص ها دارد، در ادامه، هریک از این شاخص ها از نظر بانک جهانی بررسی می شود.



طرح از نگارنده

## ۲-۱) حق اظهار نظر و پاسخگویی<sup>۱</sup>

پاسخگویی از جمله نیازهای اساسی برای حکمرانی مطلوب به شمار می آید، این مؤلفه از جمله شاخص های بسیار مطلوب دموکراسی و حکمرانی خوب در تمامی سطوح است (سردارنیا، ۱۳۹۱:۱۶۷). حق اظهار نظر و پاسخگویی بدین مفهوم است که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر مردم تاثیر می گذارد مورد سوال و بازخواست قرار دهند. در حقیقت منظور از این شاخص آن است که آیا در جامعه حق اظهار نظر، یعنی آزادی بیان از ناحیه شهروندان، احزاب سیاسی، تشکل ها، انجمن ها، ادیان و مذاهب، رسانه های جمعی، اقوام و نژادها وجود دارد؟ آیا شهروندان در انتخاب دولت و نظام

<sup>1</sup> Voice and accountability

سیاسی به صورت آزادانه مشارکت دارند؟ آیا تمام گروه‌های دخیل در تصمیم‌گیری‌های دولتی، نسبت به عملکردشان در برابر مردم پاسخگو هستند؟ آیا افراد و بنگاه‌های اقتصادی از تصمیمات دولتی، که آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به موقع و به طور کامل آگاه می‌شوند؟ به هر اندازه که آزادی بیان توسط رسانه‌ها و نشریات و افراد، مشارکت شهروندان در انتخاب دولت، اطلاع یافتن از تصمیمات تأثیرگذار و آمادگی دولت مردان برای پاسخ‌گویی بیشتر باشد، به همان اندازه، وضعیت بهتری از حکمرانی خوب در کشور وجود خواهد داشت. در حقیقت باید گفت که جامعه مدنی فعال و کنشگران اجتماعی سبب بهبود پاسخگویی مدیران و کارگزاران می‌شود بطوریکه پاسخگو بودن بدون شفافیت و رعایت مقررات قانونی نمی‌تواند اعمال شود (حیدریان و توسلی نایینی، ۱۳۹۷: ۴۱۸).

## ۲-۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت<sup>۱</sup>

شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات موثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولتمردان فعلی می‌پردازد. در واقع یکی از شاخص‌هایی که رشد پایدار اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کند، ثبات سیاسی و عدم خشونت، یعنی محیط پایدار و امن، است. ناآرامی سیاسی، اطمینان و امید به آینده را که زمینه‌ساز توسعه است، مختل می‌سازد و فضای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری را آلوده می‌کند و در مجموع به کاهش کارایی و مطلوبیت می‌انجامد (سریع القلم، ۱۳۷۵: ۹۳). به عبارت دیگر، ثبات سیاسی، از جمله ملزومات رشد باثبات اقتصادی است و ریشه در اصل عدالت و برابری دارد؛ یعنی در صورتی ثبات سیاسی تحقق پیدا می‌کند که عدالت اجتماعی و برابری در جامعه حاکم باشد. ثبات سیاسی آن است که به چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنوشتی و براندازی باشد، در اینجا عواملی همچون تروریسم و خشونت‌های سیاسی مدنظر هستند، بر اساس

<sup>1</sup> Political stability and absence of violence

این شاخص، هر چه احتمال عدم ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان دهنده حکمرانی ضعیف است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می کند (حشمت زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳). همان گونه که ملاحظه می شود، بر اساس این شاخص، رابطه میان ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برقرار است؛ یعنی هر قدر ثبات سیاسی برقرار باشد به همان اندازه، توسعه اقتصادی نیز برقرار خواهد شد. از جمله راهکار مناسب جهت بهبود شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت در ایران ایجاد یگانگی فکری و عقیدتی میان نخبگان سیاسی است؛ در اغلب نظامهای سیاسی، مجموعه یکدستی از اندیشه و افکاری که همه نخبگان سیاسی به آن پایبند باشند وجود ندارد، و در عین حال تضارب و اختلاف آرای نخبگان سیاسی امری محترم و در بسیاری از موارد مفید است. اما زمانی که این اختلاف آرا بصورت منازعه و دعوای سیاسی درآید، بی ثباتی را در پی خواهد داشت که حتی در مواردی بعنوان تهدیدی جدی علیه نظام محسوب می شود. نظام سیاسی جمهوری اسلامی نیز همانند هر نظام سیاسی دیگری شاهد منازعاتی بوده است. در واقع وابستگی ایران به درآمد حاصل از فروش نفت با تبدیل ایران به صحنه رقابت های ژئوپلیتیک، تضعیف استقلال سیاسی و وابسته کردن اقتصاد ایران به مقتضیات کشورهای دیگر منجر به بی ثباتی ایران می گردد لذا برای اجتناب از این خطرات باید استفاد عقلایی از درآمد نفت در قوانین، نظام اداری و سیاست گذاری ایران نهادینه گردد؛ راهکار پیشنهادی تغییر نگرش از نفت به عنوان یک ثروت است نه بصورت یک درآمد.

## ۲-۳) کارایی و اثر بخشی دولت<sup>۱</sup>

شاخص کارایی و اثر بخشی دولت بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای

<sup>1</sup> Government Effectiveness

سیاسی می‌باشد. در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، صلاحیت حکمرانان شهری و میزان استقلال خدمات شهری از فشارهای سیاسی مدنظر است، همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاستها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در حقیقت منظور از اثربخشی دولت، میزان استفاده از مهارت‌های فنی و کاری مدیران و میزان کارایی دیوان سالاری دولت است. به عبارت دیگر، منظور از این شاخص آن است که دولت در جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، همچنین در اجرای نوآوری‌های سیاسی ملی، تدوین به موقع بودجه‌های سالانه، نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های ملی و حل مشکلات اقتصادی داخلی بتواند باشد. همچنین به میزان توانایی دیوان سالاری بر ارائه خدمات مدنی بدون تأثیر پذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابه‌جایی‌های صورت گرفته در ساخت قدرت سیاسی، نیز به اندازه توانمندی دولت در رویارویی با بلایایی طبیعی، مدیریت بدهی‌های خارجی و در تمرکززدایی از فعالیت‌های دولتی، به همان اندازه، توسعه اقتصادی و حکمرانی خوب تحقق یافته است.

## ۲-۴) مشارکت

مشارکت از جمله مهمترین اصول بنیادین حکمرانی خوب محسوب می‌شود، که به معنای حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است که هم بصورت مستقیم و هم غیر مستقیم تحقق می‌یابد؛ که مباحث آن غالباً مبتنی بر وجود آزادی بیان و حق اظهار نظر همه افراد جامعه در حوزه‌های مختلف خواهد بود؛ هر چند این به معنای اجرا شدن خواسته‌های همه شهروندان نیست بلکه منظور مشارکت حداکثری است (حیدریان دولت آبادی و توسلی، ۱۳۹۷: ۴۳۰). در این راستا یکی از مهمترین مؤلفه‌های مورد تأکید امام خمینی (ره) ایده مردم سالاری دینی است، مردم سالاری دینی ریشه در ماهیت و ساختار نظام اسلامی دارد. مؤلفه‌های شکل حکومت جمهوری اسلامی به طور قطع می‌بایست در



اندیشه‌های سیاسی دینی قوام یافته باشد چرا که جمهوریت اسلامی بر دو پایه جمهوری و دیگری اسلامیت بنا گذاشته شده است، یعنی شکل حکومت، ساختار سیاسی و نحوه آرایش نهادهای آن جمهوری است اما محتوای آن اسلامی می باشد پس محتوای این شکل از حکومت مردمی در اندیشه‌های سیاسی اسلام قابل تبیین است و هیچگاه در خارج از چارچوب اندیشه سیاسی اسلامی تحلیل پذیر نیست (محمودی کیا، ۱۳۹۸: ۷۲).

## ۲-۵) حاکمیت قانون<sup>۱</sup>

شاخص حاکمیت قانون از جمله شاخص‌های موثر در یک حکمرانی خوب است این شاخص موید میزان احترام عملی است که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلافات ایجاد شده است، عبارتی منظور از این شاخص کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پلیس و محاکم قضایی است. در واقع تعریف سازمان ملل از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی در برابر قوانین پاسخگو هستند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده اند، به طور مساوی اجرا می شوند، به طور مستقل حکم می شوند و ضمناً سازگار با حقوق بشر بین المللی هستند. بر اساس تعریف بانک جهانی حاکمیت قانون به دنبال محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوء استفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است (حشمت زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴). اگر پس از انعقاد قراردادها، پیمان‌ها و تعهدات، اعم از دولتی یا خصوصی، نتوان چندان به اجرای آنها امید داشت و همچنین اگر جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پی گیری نباشد، نشان دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است. در واقع اینکه تا چه اندازه قوانین در یک جامعه واقعی هستند و می توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می شود بگونه ای که در این شاخص بویژه اجرای قراردادها، احتمال وقوع جرم‌های خشونت آمیز و غیر خشونت آمیز، اربخشی و

<sup>1</sup> Rule of law

قابلیت پیش بینی عملکرد محاکم قضایی در یک جامعه مدنظر است (kaufman, 2009: 15). به عبارت دیگر، منظور از حاکمیت قانون در فرایند حکمرانی، این است که سیاست گذاران همانند شهروندان، در برابر قوانین یکسان تلقی شوند و نسبت به عملکرد خود، پاسخ گو باشند. بر اساس این شاخص، رعایت اصول عدالت، انصاف و استقلال در دستگاه قضایی و سرعت در اجرای مراحل قضایی تأثیر زیادی بر تثبیت حاکمیت قانون دارد (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۷). همچنین تأثیرگذاری دولت یا سایر افراد بر فرایند قضاوت و نحوه تصمیم گیری در امر حاکمیت قانون مهم تلقی شده است. بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران با تحدید وظایف و اختیارات کارگزاران و برابر شمردن آنها با دیگر آحاد ملت و همچنین پیش بینی نظارتهای متعدد بر دولتمردان، اصل حاکمیت قانون به رسمیت شمرده شده است (راعی و عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

## ۲-۶) کنترل فساد<sup>۱</sup>

واژه ی فساد از ریشه ی فسد به معنای جلوگیری از رفتار درست و سالم می باشد که معادل انگلیسی آن Rumpere به معنای شکستن و نقض کردن است؛ چیزی که شکسته یا نقض می شود می تواند قوانین و مقررات اداری باشد (تانزی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). فساد دیده نوینی نیست و پیدایش و گسترش آن قدمتی به اندازه تاریخ اجتماعات بشری و تاریخ سازمانها و نهادها دارد، که از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع از دستیابی به اهداف و مانع اصلی رشد و تکامل است (حسینی و شمس، ۱۳۹۱: ۸۲). شاخص کنترل فساد به معنی استفاده از قدرت و امکانات: عمومی در جهت منافع شخصی است؛ این شاخص مفهوم هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تاثیر آن بر جذب سرمایه گذاری خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را اندازه گیری می کند. فراوانی «پرداختهای اضافی جهت انجام کارها» (یا همان رشوه دادن)

<sup>1</sup> Control of corruption

جنبه قابل تامل در این بخش است، بطوریکه بعبارت دیگر فساد رفتاری را شامل می شود که در پی آن افراد صاحب قدرت از نفوذ خود در بخش دولتی بعنوان مزیتی در راستای منافع شخصی خود بهره می برند (7: kaufman, 2009) در حقیقت یکی از شاخص حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی، مهار فساد اداری است. عوامل بسیاری بر این شاخص مؤثرند که برخی از آنها عبارتند از: میزان فساد در کشور، گسترش روابط خانوادگی، استفاده از قدرت به نفع دوستان، گسترش دیوان سالاری که زمینه بروز فساد را فراهم می کند، میزان شیوع پرداخت غیرقانونی در بین افراد و شرکت های دولتی برای پیشبرد کارها، پرداخت هایی که برای اثرگذاری بر فرایند قانون گذاری انجام می شود، بی اعتمادی عمومی به درست کاری مالی سیاست مداران، پرداخت های که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی همچون فرار مالیاتی صوت می گیرد، استفاده سیاست مداران از بودجه عمومی، و در نهایت، پرداخت های غیرقانونی که توسط افراد بانفوذ و همچنین انحصارات در جهت زیان سایر بنگاه ها صورت می گیرد. اینها عوامل مهمی هستند که وضعیت شاخص کنترل فساد را تعیین می کنند. به عبارت دیگر، وجود این عوامل نشان دهنده حکمرانی ضعیف و فقدان آنها بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است.

### ۳) حکمرانی خوب از دیدگاه امام خمینی (ره)

کانون اندیشه امام خمینی (ره) آموزه های وحیانی می باشد و به تبع آن جهان بینی ایشان یک جهان بینی الهی - دینی است که در واقع اصل توحید، مبنا و محور اصلی این جهان بینی را تشکیل می دهد و بر همین اساس می توان گفت که اندیشه سیاسی حضرت امام یک اندیشه توحید مدارانه است، لذا کلیه شئون زندگی سیاسی و الگوی مطلوب حکمرانی و حکومت را باید بر محور این اصل توضیح داد، به همین خاطر دولت و حکومت مدنظر ایشان در قالب امامت مطرح می شود (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

بطوریکه از نظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> شکل حکومت اسلامی ابتدا با الهام از سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین حضرت علی (ع)، و دیگر متناسب با شرایط و مقتضیات کنونی و در ثانی با مراجعه به آری ملت و با اتکا به آن تعیین خواهد شد (ضمیری، ۱۳۸۸: ۱۲۷). در حقیقت می‌توان گفت که بر اساس مولفه‌های ذکر شده در حکمرانی خوب اندیشه حضرت امام را می‌توان اینگونه ابراز نمود که؛ اولاً مولفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی ایشان اهدافی والاتر از زندگی دنیوی دارند که همان رستگاری اخروی و سعادت واقعی را مدنظر قرار می‌دهد و کلیه احکام و دستورات دینی - سیاسی بعدی اخلاقی و شرعی را در بر می‌گیرد، دوماً امام بعنوان یک روحانی از یک بعد کلان به موضوع فساد توجه دارد مظهر عدم سلامت و فساد ساختار سیاسی را فساد اخلاقی معرفی، که اشکال گوناگون آن در جامعه و در سیاست خود را آشکار می‌نماید، سوماً اینکه از دیدگاه‌های حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> چنین برداشت می‌شود که با توجه به اینکه عدالت یکی از محورهای اساسی در زمینه حومت مطلوب است حکومتی بر مبنای عدالت اداره می‌شود که بر پایه عدالت نیز بنا شده باشد که این امر نشان دهنده عدم تحقق عدالت در حکومت‌های استبدادی و حکومت‌هایی است که احکام اسلام در آن اجرا نشود؛ چهارم اینکه در حقیقت باید گفت که هدف حکمرانی مطلوب از منظر ایشان تامین سعادت بشر است.

شاخص‌های حکمرانی خوب و مشخصه‌های آن	
نشانگرها	شاخص‌ها
(۱) تغییر منم دولت‌ها	حق اظهار نظر و پاسخگویی
(۲) نظام حقوقی شفاف و عادلانه	
(۳) توزیع برابر فرصت‌ها	
(۴) میزان اطلاعات صاحبان کسب و کار	
(۱) درگیری‌های اجتماعی	ثبات سیاسی و عدم خشونت
(۲) قطبی شدن طیف‌های سیاسی	
(۳) تنش‌های قومی	

<p>۴) کودتا و براندازی</p> <p>۱) کارایی نهادهای دولتی</p> <p>۲) توانایی دولت در انجام برنامه ها</p> <p>۳) کیفیت خدمات عمومی</p> <p>۴) سیاستگذاری به نفع کسب و کار</p>	<p><b>اثربخشی دولت</b></p>	
<p>۱) مداخله دولت در اقتصاد</p> <p>۲) کنترل قیمت‌ها و دستمزدها</p> <p>۳) موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای</p> <p>۴) محدودیتهای دولتی برای تاسیس بنگاهها</p>		<p><b>کیفیت مقررات یا بار مقررات</b></p>
<p>۱) اعتقاد به نظام قضایی</p> <p>۲) استقلال نظام قضایی</p> <p>۳) کارایی نیروهای امنیتی برای ایجاد امنیت</p> <p>۴) هزینه های تخلف، جرم و فساد در نظام بانکی</p>		
<p>۱) فسادمقامات دولتی</p> <p>۲) فساد مدیران ارشد</p> <p>۳) فساد در خدمات عمومی</p> <p>۴) پرداخت رشوه</p>		<p><b>مبارزه با فساد</b></p>

### پیامدهای حکمرانی خوب

نگاه واقعگرایانه در مورد اداره امور کشور	۱
اعتماد شهروندان به برنامه های دولتمردان	۲
تقویت مشروعیت نظام سیاسی	۳
افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق متقابل خود و حکومت	۴
ایجاد فرصتهای برابر برای شهروندان	۵
توسعه پایدار انسانی	۶
توسعه مردم سالاری و تقویت مشارکت شهروندان و تقویت همبستگی اجتماعی	۷
افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم گیری و تصمیم سازی	۸
کاهش فساد و تقویت سلامت اداری و مخالفت با قانون گریزی	۹

## نتیجه‌گیری

با توجه به تغییر و تحولات فکری، فنی و فرهنگی در هزاره سوم و عصر جدید که باعث شده توسعه در بستر اجتماعی باز تعریف شده و اتفاق بیفتد، الگوی حکمرانی خوب می‌تواند راهکاری مناسب در این مورد باشد بطوریکه بعنوان یک پلرادییم جدید فکری و عملیاتی نقش مهمی در الگوی اداره‌ی کشور توسط دولت ایفا می‌کند و به تنظیم روابط دولت با دیگر بخش‌های جامعه بخصوص بخش جامعه مدنی و خصوصی در راستای کاهش تصدی‌گری آن و افزایش رفاه عمومی و توسعه اقتصادی شود. به همین خاطر در نوشتار حاضر تلاش گردید ضمن مروری بر مولفه‌های نظریه حکمرانی خوب که نظریه‌ای مبتنی بر خرد جمعی بشری است، تضمین‌های بنیادین الگوی اثربخش ایرانی و اسلامی پیشرفت در دهه چهارم انقلاب اسلامی مورد تبیین تفهیمی قرار گیرد. از این رو، ضمن مروری بر ویژگی‌ها و آموزه‌های حکمرانی خوب، ضرورت‌های واقع‌گرایانه و الزامات اثربخشی الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت مورد توجه قرار گرفت. در مجموع می‌توان گفت که جمهوری اسلامی به عنوان نظامی مبتنی بر اسلام شیعی که ارزش‌های خود را متعلق به همه انبای بشر می‌داند، و رهنمودهای امام خمینی و مقام معظم رهبری مطابق با اصول و آموزه‌های حکمرانی خوب باید به ساخت الگوی حیات طیبه مبادرت کند. همچنین با عنایت به این نکته که انقلاب اسلامی به دلیل منطبق‌بودن ضد استکباری و مادی خود در برابر نظام سلطه‌ای قدرتمند قرار گرفته است و به شدت از جانب آنان مورد تهدید نرم و سخت قرار می‌گیرد، باید در مقابل این تهدیدها آنچنان که نظریه‌های حکمرانی خوب توصیه می‌کنند، بر ضرورت حفظ مشروعیت و مشارکت و جهت‌گیری مورد اجماع در مواجهه با تهدیدها دست یابد و به دفاع منطقی و متناسب بپردازد. همچنین با این دیدگاه که گذار به توسعه و جهش تولید مد نظر مقام معظم رهبری مستلزم وجود شرایط مناسب در نظام حکمرانی کشور است و وضعیت جمهوری اسلامی ایران در شاخص‌های اعلامی از طرف سازمانهای جهانی در مورد حکمرانی خوب نشان می‌دهد که برای دستیابی به هدف

توسعه و جهش تولید لازم است در برخی زمینه ها با توجه به پویایی نظام قدس جمهوری اسلامی ایران در جهت رفع برخی موانع و ضعف ها تغییراتی ایجاد شود.

## منابع

- ۱) میدری، احمد (۱۳۸۵). «مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۲.
- ۲) دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی **مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش های تخصصی چشم انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.
- ۳) جاسبی، عبدالله و نفری، ندا (۱۳۸۸). «طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم باز»، **فصلنامه علوم مدیریت ایران**، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۱۷-۸۵.
- ۴) کبیری، افشار (۱۳۹۰). **تبیین جامعه شناختی حکمرانی خوب**، رساله دکتری جامعه شناختی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵) پور آقایی، سپیده. (۱۳۸۳). «شاخص های حکمرانی به روایت بانک جهانی»، **گزارش**، ش ۱۵۴، ص ۶۲.
- ۶) سریع القلم، محمود (۱۳۸۶). **فرهنگ سیاسی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۷) حشمت زاده، محمدباقر و امیرمحمد حاجی یوسفی و محمدعلی طالبی (۱۳۹۶)، «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران»، **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال ششم، شماره اول.
- ۸) حیدریان دولت آبادی، محمدجواد و منوچهر توسلی (۱۳۹۷). «مطالعه مولفه های حکمرانی خوب از منظر نهادهای بین المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی**، سال دهم، شماره ۳۸.
- ۹) سردارنیا، خلیل الله (۱۳۹۱). «شاخصهای حکمرانی خوب شهری در اروپا نظریه سیستمی»، **مجموعه مقالات همایش علمی حکمرانی خوب شهری**، جلد اول، تهران. تیسرا.
- ۱۰) راعی، مسعود و فرامرز عطریان (۱۳۹۱). «حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، سال هفدهم، شماره ۱.



- ۱۱) صحرائی، علیرضا و امین محمودی نیا (۱۳۹۷). «الگوی حکمرانی خوب: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، دوره هشتم، شماره ۲۸.
- ۱۲) ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸). **حکمرانی مطلوب در اندیشه امام خمینی (ره)**، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۱۳) تانزی، ویتور (۱۳۷۸). «مسئله فساد، فعالیتهای دولتی و بازار آزاد»، ترجمه بهمن آقایی، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰.
- ۱۴) حسنی، علی و عبدالحمید شمس (۱۳۹۱). «راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزشهای اسلامی»، **اسلام و پژوهشهای مدیریتی**، سال دوم، شماره پنجم.
- ۱۵) عیوضی، محمدرحیم و نازنین مرزبان (۱۳۹۵). «بررسی مولفه های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ۱۶) محمودی کیا، محمد (۱۳۹۸). «حکمرانی شایسته در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)»، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۱۹.
- ۱۷) گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). «حسن اداره گری»، در مارتین گریفیتس، **دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان**، ترجمه علی رضا طیب، تهران: نشر نی.
- ۱۸) معینی فرد، مژگان و کریم الهام نیا (۱۳۹۴). «بررسی اثر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب»، **کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی**.  
[https://www.civilica.com/Paper-ICMEH01-ICMEH01\\_239.html](https://www.civilica.com/Paper-ICMEH01-ICMEH01_239.html)
- 19) World Bank (1999). "Findings on Governance, Institutions and Development", pp23-12.
- 20) Ka ufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo (2002). Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01. World Bank Policy Research Working Paper, (2772).
- 21) Kl ijn, Erik-Hans (2008). Governance and Governance Networks in Europe: An Assessment of Ten Years of Research on the Theme. Public Management Review, 10(4), pp. 505-525.